

## تحقق منافع ملی از طریق دیپلماسی علمی بر اساس مدلی از تاریخ ایران

علیرضا کریمی<sup>۱</sup>

داریوش وظیفه<sup>۲</sup>

### چکیده:

نهاد آموزش امروزه در سیاست خارجی اغلب کشورهای جهان نقش موثری دارد. ما گواه تاریخی آشکاری در این زمینه داریم که تاکنون کسی از این زاویه بدان نپرداخته است. در قرن ۱۳م/۷ق در ایران در عصر حاکمیت ایلیخانان در مراکزی نظیر رصدخانه مراغه، مجموعه آموزشی ربع رشیدی و... هزاران استاد و دانشجو از سرتاسر دنیای آن روز مشغول تدریس و تحصیل بودند. اساتید و دانشجویان حاضر در این مراکز از ملیتهای مختلفی نظیر چینی، تبتی، هندی، ایرانی، عرب، اروپائی و آفریقایی بودند. اینها با زبانها و ادیان مختلف در این مراکز بدون تبعیض مشغول فعالیت بودند. این پتانسیل عظیم در بهبود و گسترش روابط ایران با تمام جهان آن روز موثر شده بودند. امروز نیز بسیاری از کشورهای جهان این سیاست را تعقیب می‌کنند. اکنون نیز مسئولان درجه اول کشور بایستی این تجربه تاریخی را احیا کنند. در دانشگاه‌های امریکا میلیون‌ها استاد و دانشجو از سرتاسر دنیا مشغول فعالیت هستند. این مهم علاوه بر اینکه درآمد اقتصادی چشم-گیری را عاید این کشور کرده است، باعث افزایش نفوذ و روابط دوستانه این کشور با اکثر کشورهای جهان شده است. اساتید و دانشجویان بین‌المللی می‌توانند در توسعه روابط خارجی کشورها و حتی تغییر سیاست خارجی کشورها موثر باشند. ایرانیان بایستی تجربه اجدادشان در هفتصد سال پیش را مجدداً تکرار کنند و مشوق تردد گسترده اساتید و دانشجویان از ایران به تمامی نقاط جهان و از آنجاها به ایران گردند.

**واژگان کلیدی:** دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی، منافع ملی، ربع رشیدی، امریکا

<sup>۱</sup> دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران: نویسنده مسئول

alireza.karimi.46@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد، تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

taj27dar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۳

## مقدمه:

جهان بعد از جنگ دوم جهانی، با رویکرد جدیدی نسبت به دیپلماسی مواجه شد، درک جایگاه مهم فرهنگ در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی موجب شد تا امریکا نفوذ و تاثیر بیشتری در روابط خود با سایر کشورها داشته باشد و بتواند ارزش‌های ملی و فرهنگی خود را در قالب رسانه‌ها، آموزش، دانشگاه‌ها و زبان، بر جهان معاصر اعمال کند. لذا این نمونه موفق و توانا در استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی خود در سیاست‌گذاری و دیپلماسی فرهنگی، به عنوان الگوی مناسبی است تا بتوان از ظرفیت‌های فرهنگی کشور، به نفع دیپلماسی خارجی آن استفاده کرد. چرا که در گذشته تاریخی کشور، ربع رشیدی به عنوان نمونه موفق و تاثیر گذار فرهنگی بر گسترش علم و در کنار آن همزیستی مسالمت آمیز فرهنگ‌های مختلف با همدیگر و تبلیغ ارزش‌های فرهنگی؛ عمل می‌کرد. توجه به اهمیت ربع رشیدی از نظر حاکمیت سیاسی، شهرسازی ربع رشیدی در ایجاد رفاه حال دانشمندان ساکن آن، توجه به محیط زیبا و سبز ربع رشیدی در ایجاد روحیه مناسب برای اهالی شهر، هزینه‌ها و امکانات رفاهی موجود برای اساتید و محصلان، نشان از جایگاه خاص این محل به عنوان نمونه‌ای که می‌تواند برای آموزش امروز کشور نیز در بهبود وضعیت آموزشی و فرهنگی ایران مناسب باشد.

این مقاله به بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی علمی در جهان معاصر پرداخته و با نمونه تاریخی ربع رشیدی، به عنوان الگویی که می‌تواند در بهبود وضعیت آموزشی و سیاست فرهنگی موثر باشد، در صدد پاسخ به این سوال است که دیپلماسی فرهنگی و علمی تا چه اندازه می‌تواند در بهبود دیپلماسی ایران، موثر باشد؟

در این مقاله با بررسی توأمان علمی و فرهنگی ربع رشیدی در دوره تاریخی خود و علل اضمحلال آن به آسیب شناسی شکست دیپلماسی فرهنگی در تاریخ ایران پرداخته و از مزایای توجه به فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی و علمی در جهان معاصر با نمونه دیپلماسی فرهنگی امریکا؛ با روش توصیفی-تحلیلی به این موضوع می‌پردازیم تا درصدد پاسخگویی به این مهم نایل گردیم که توجه به فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی و علمی، می‌تواند راهکاری موثر در سیاست‌گذاری خارجی ایران به حساب آید و از ایجاد بحران در منطقه خاورمیانه جلوگیری کرده و به جذب سایر کشورها برای همکاری با ایران را منجر می‌شود.

## تعریف فرهنگ

هال در تعریف فرهنگ معتقد است: «هیچ جنبه‌ای از زندگی بشری وجود ندارد که تحت تاثیر

فرهنگ قرار نگرفته است و بواسطه آن دستخوش تغییر نشده باشد» (سامووار لاری، ۱۳۹۱: ۷۴) یعنی فرهنگ هم تاثیرگذار است و هم تاثیرپذیر. در واقع فرهنگ عبارت است از «مجموعه دانش-ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادت دیگری که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه، اکتساب شود». (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸) در واقع فرهنگ محصول و در عین حال تولید کننده اندیشه، تفکر، آداب و رسوم و هنر و علایق افراد است. (همان، ۱۳۷۹: ۹) فرهنگ از طریق یادگیری، الگوهای ارزشی، رفتاری، تفکر و در کنار آن، الگوهای نظام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را از طریق آموختن از فردی به فرد دیگر و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد. (Kuper, 1985: 179) فرهنگ و تاثیر گذاری فرهنگ بیشتر همراه با سلطه و اثر گذاری است و از آن سو که فرهنگ از طریق ارتباط و یادگیری، منتقل و حفظ می‌گردد، یعنی فرهنگ آموخته می‌شود (سامووار لاری، ۱۳۷۹: ۷۷) زین رو به راحتی می‌تواند در قالب آموزشی و شیوهی رفتار معلم و افراد سلطه و رهبران جامعه به عنوان افراد برجسته و مورد احترام همه، انتقال یابد. باید توجه داشت که فرهنگ علاوه بر بعد فردی و اجتماعی آن، تاثیر بسیار زیادی بر سیاست دارد. از سال ۱۹۷۰ به بعد نقش تاثیر فرهنگ بر سیاست مشهود است و اندیشمندان به این مهم در تاثیر فرهنگ بر سیاست خارجی کشورها پی بردند. (نقیب زاده ۱۳۸۲: ۸-۶)

### قدرت نرم

در تحلیل روابط کشورها و بخصوص امریکا با سایر کشورها بعد از جنگ دوم جهانی و شروع جنگ سرد، باید به اهمیت فرهنگ و کارکرد آن در دیپلماسی تاکید کرد و نقش آن را کاوید. در واقع فرهنگ در روابط کشورها بعد از ۱۹۴۵ بیشترین کارکرد را داشته و تاثیر آن در جهان امروزی بسی بیشتر از گذشته است. برای بررسی جایگاه فرهنگ در دیپلماسی و نقش فرهنگ در همکاری‌های بین‌المللی، می‌بایست به قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی و علمی اشاره کرد. بنا به محدودیت موضوعی این مقاله، سعی در تبیین دیپلماسی فرهنگی و علمی زیر شاخه قدرت نرم اشاره خواهد شد و مبای نظری مرتبط به قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی و علمی نامرتبط با موضوع را برای حفظ محدوده تحقیق، وارد نخواهیم شد.

دیپلماسی در جهان معاصر عبارت است از: «روش نو برای تاثیرگذاری بر هویت، گفتمان‌ها و کنش‌های بازیگران قلمروی عمومی جهانی و شکل دهی محیط مناسب برای موفقیت دستگاه دیپلماتیک با کمک شبکه‌ها و رسانه‌های جدید. در واقع، این دیپلماسی، ترکیبی از تحولات فناوری، ایده‌های جدید، توانایی‌های شبکه‌ای، بازیگران غیردولتی و روابط پویا با جامعه مدنی

جهانی که مخاطب آن علاوه بر دولتها، بازیگران قلمروی عمومی داخلی و جهانی هم هستند. اگر چه که دولتها در آن نقش هدایت کننده و نظارتی دارند و کاربست آن باعث افزایش قدرت نرم یک کشور و توسعه نفوذ آن در عرصه جهانی می شود». (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۴) در واقع قدرت نرم از دید جوزف نای، همان جذابیت و ایجاد همدلی در سایر ملت هاست که توسط فرهنگ ایجاد می شود. در این حالت فرهنگ بخصوص تاثیر اطلاعات، موجب ایجاد همبستگی در کشورها می شود. (نای، ۱۳۸۲: ۸-۱۱) عواملی که موجب قدرت نرم می شوند را می توان به: مناسبات دیپلماتیک، ارتباطات فرهنگی، تبلیغ و گسترش زبان و ارزش های فرهنگی، ایجاد ارتباط و دوستی، توانایی تولید علم و دارا بودن اقتصاد و بازار قوی، داشتن رسانه ها و آموزشگاه های تولید دانش و علم، برای تسلط و توانایی در سیاست خارجی و ایجاد همبستگی و سلطه در سایر کشورها اشاره کرد. (همان: ۴۴-۴۶) از جمله نتایج و عوامل قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی است. دیپلماسی فرهنگی بیشترین سلطه و تاثیر را در قدرت نرم دارد و می تواند نقش موثری در ابراز این قدرت، بازی کند. دیپلماسی فرهنگی در تلاش برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی و سیاست خارجی سایر کشورها است تا هنر، زبان، اطلاعات و دانش، ارزش و معیار فرهنگی آنان را مطابق الگوی خود تحت تاثیر قرار دهد. دیپلماسی فرهنگی در قرن ۱۹ توسط فرانسه ابداع شد و در تلاش برای استفاده از مطبوعات، آموزش و فرهنگ برای تاثیر گذاری سیاسی بود تا بتوانند نخبگان و سایر اقدار مهم جامعه را به فرهنگ خود جذب و علاقمند سازند. (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) در واقع دیپلماسی فرهنگی به تاثیر و کارکرد فرهنگ از تبادل اطلاعات و ارزشها در روابط بین المللی می پردازد؛ این نوع از دیپلماسی در دوران بعد از جنگ دوم جهانی و در فضای جنگ سرد، توانست نقش بسزایی در رابطه امریکا با سایر کشورها ایفا کند. (Indraswari, 2015.2) دیپلماسی فرهنگی می تواند در تصویر سازی از کشور و ملت، تصویر زیبایی از اوضاع و شرایط ملی و میهنی را به تصویر کشد و در ارتباطات بین المللی بتواند به عنوان پیوند دهنده هنر، ارزشها، علم و فناوری و فرهنگ ملتها به کار آید تا بتواند صلح و همکاری را در بهره مندی از شرایط پایدار اقتصادی و سیاسی را به نتیجه برساند. (Rasmussen, 2015.7-10) در واقع توانایی دیپلماسی فرهنگی بیش از توانایی و سلطه دیپلماسی نظامی است، چرا که به جای ایجاد زور و وحشت؛ از طریق جذابیت فرهنگی و علمی به جذب افراد مختلف از سراسر جهان می پردازد. در جمع بندی ارتباط دیپلماسی فرهنگی با قدرت نرم می توان گفت کشورها برای تحقق منافع سیاسی خود، می توانند در همکاری های فرهنگی و

مبادلات علمی و تبلیغات رسانه‌ای، صنعت توریسم، صادرات کالاهای فرهنگی، نقش موثری در سیاست خارجی خود با سایر کشورها داشته باشند. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۸)

میان دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی فرهنگی، نقطه مشترکی وجود دارد و آن آموزش و استفاده از این عنصر فرهنگی در خدمت منافع کشور است (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۱۱) توجه به آموزش می‌تواند در عرصه جهانی و روابط میان کشورها، جایگاه خاصی به خود اختصاص دهد چرا که «گسترده‌ترین میدان یا عرصه دیپلماسی عمومی و فرهنگی، توسعه مناسبات پایدار با عناصری کلیدی است تبادلاتی که به آموزش رهبرانی جهانی چون انور سادات، هلموت اشمیت و مارگارت تاچر کمک کرده». (نای، ۱۳۹۲: ۱۵۰) در واقع دیپلماسی فرهنگی می‌تواند در سایه قدرت نرم، به ایجاد علاقه نسبت به دولت‌ها منجر گردد و با تحصیل دانشجویان در کشور مقصد، می‌تواند به تصویری متناسب و ایده آل از دولت و ساختار حکومتی آن کشور در خود ایجاد کند.

### چیستی دیپلماسی علمی

دیپلماسی علم و فناوری را می‌توان «استفاده از ظرفیت‌های علم و فناوری برای تحقق اهداف سیاست خارجی و همین‌طور استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی برای پیشبرد علم و فناوری» دانست. (گزارش معاونت علمی و فناوری، ۱۳۹۰) تاکید امریکا بر علم و تولید علم، پس از جنگ دوم جهانی، وجه قابل قبولی از این کشور را در جهان ایجاد کرد. از دهه ۴۰ میلادی به بعد برای درک بهتر کشورها و ارائه تصویری مناسب از امریکا برای جهان، نهادهایی مانند: اداره روابط آموزشی و فرهنگی، دفتر مشاوره علم و فناوری اداره، اطلاعات جنگ، آژانس ارتباطات بین‌المللی امریکا، شورای دیپلماسی امریکا، اداره اطلاعات بین‌المللی و امور فرهنگی و آموزشی، تاسیس شدند. از سال ۱۹۶۰ به بعد نقش دانشگاه‌ها از برنامه صرفاً آموزشی و یادگیری به دانشجویان، به بررسی زمینه‌های اجتماعی و علمی در کنار تولید علم و فناوری توجه شد. لذا دیپلماسی علمی بیشتر و بهتر توانست نفوذ خود را گسترده ساخته و تاثیر خود را در روابط بین‌المللی ایفا کند حمایت سیاستمداران امریکایی از تولید علم و کمک به فناوری، باعث شد تا این کشور با سیاست دیپلماسی علمی، بتواند در دوره جان اف کندی، به روابط امریکا و ژاپن، کمک کند و اختلافات پس از جنگ دوم جهانی را به میزان زیادی کاهش دهد. (Cummings, 2003) به کمک‌ها و تبادل علمی بین دانشمندان امریکا و شوروی کمک شایانی کند. در کنار آن در خود امریکا اقتصادی امن در سطح جهانی، آموزشی قدرتمند در تولید علم و تربیت دانشجو، کمک‌های

بهداشتی و کمک به درمان و در کنار آن امنیت سیاست خارجی و داخلی خود را با ایجاد دوستی و همکاری بین‌المللی با سایر کشورها تامین کند، چرا که دیپلماسی علمی دستیابی به اهداف هر چه بیشتر روابط خارجی و سیاست گذاری خارجی کمک می‌کند و توانایی و سلطه علمی و سیاسی را در جهان به اثبات رسانده و همکاری در علوم به همکاری فرهنگی و سیاسی کشورها، ایجاد صلح و در کنار آن همکاری‌های اقتصادی و کمک‌های علمی کشورها کمک می‌کند.

### ربع رشیدی به عنوان مدلی برای توسعه علمی و دیپلماسی فرهنگی

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی به عنوان بنیادگر ربع رشیدی، با هدف گسترش علوم عقلی و دینی، برای تعامل هرچه بیشتر بین فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های علمی مختلف و گسترش رفاه حال دانشمندان، تلاش کرد. ربع رشیدی به عنوان نمادی از فعالیت فرهنگی و علمی وی در ترویج روش فرهنگی شناخته می‌شود. ربع رشیدی را می‌توان دانشگاه شهری دانست که در آن دانشمندان و دانشجویان، مانند دانشگاه‌های امروزی، در کنار حقوق و مزایای مادی، از زیبایی محیطی و رفاه و آسودگی خاطر بهره مند می‌شدند. در واقع ربع رشیدی به عنوان مدلی تاریخی است که توانایی اجرای آن در جهان معاصر را داراست، چرا که این نمونه موفق توانست در جهان معاصر خود، به جذب دانشمندان از اقصاء نقاط جهان برای گسترش علم و در کنار آن به جذب دانشجویان برای یادگیری، کمک کند. توانایی این مرکز به اندازه‌ای گسترده بود که محور علمی ربع رشیدی محوریت شهر بود و نقاط دیگر شهر برای آسودگی این منطقه بوجود آمده بود.

### تلاش آموزشی ربع رشیدی برای تولید علم

رشیدالدین فضل الله همدانی، خود فردی عالم بود و از دنیای هند و چین و اروپا اطلاع کافی و صحیح و وافر داشت. (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۲-۲۳) در واقع جهان بینی و درایت وی، زمینه ایجاد ربع رشیدی شد. اهم نیت فضل الله همدانی، توجه به امور خیر و به اصطلاح «ابواب البر» بود و این مهم در تمامی شهرک سازی‌های وی از جمله در همدان، شنب غازان تبریز و بخصوص در ربع رشیدی مشهود است چرا که وی ابواب البر را در گسترش علوم عقلی و دینی می‌دانست. از سوی دیگر غازان خان به عنوان سلطان ایلخانی و سردرمدار حکومتی، اعتبار و ارزش زیادی برای علما و روحانیون قائل بود. وی در نصیحت برای این قشر، آنان را به صداقت در رفتار دعوت می‌کرد تا مبادا وجه این طیف خدشه دار گردد. وی علما را نهبان دین می‌دانست و وظیفه آنان را تا سرحد ارشاد و هدایت شاه، گسترده می‌کرد. (همدانی، ۱۹۴۰م: ۱۹۷-۱۹۹)

غازان خان برای ترویج و نشر اسلام به جهاد در سرزمین‌های کفر پرداخت و به ترویج فرهنگ دینی در مناطق تحت سلطه خود، تلاش می‌کرد (تربتی، ۱۳۴۲: ۱۰۸). لذا اغماض دینی غازان، موجب انهدام اماکن مقدس سایر ادیان شد (مستوفی، ۱۳۶۴ش: ۶۰۲-۶۰۳) و باعث می‌شد تا علم از اماکن و مدارس مقدس ادیان، به محلی جمع شود که در آن علم اهم موضوع بود و ربع رشیدی می‌توانست عهده دار این مکان باشد که با تلاش اساتید برای آموزش و تدریس در ربع رشیدی، آزادی عمل و رفاه آنان را تامین می‌کرد.

محوریت شهر، بر چهار اصل مهم بود. مکانی برای علما و دانشمندان، مکانی برای تصوف، بیمارستان و مرکز پزشکی، و دیگری محل سکنی اهالی بود. (همدانی، ۱۳۵۶: ۴۱ و ۴۲) این محل در سال ۶۹۹ ه.ق، به عنوان مرکزی برای علوم دایر شد. محلی چند زبانه که دروس در آن به زبان‌های: فارسی، عربی، ترکی، مغولی، چینی، یونانی، عبری و سانسکریت تدریس می‌شد. ساکنان این شهر، علاوه بر مکان برای زندگی، کار، اتاق‌های مخصوص خود را نیز داراست. (همان: ۱۷۰) خواجه در شرح ربع رشیدی، از وجود چهارصد عالم و فقیه و محدث در یک محله خبر می‌دهد که لباس، استحمام، هزینه‌های دیگر آنان و کارهای اداری آنان رفع می‌شد؛ ۶ هزار طلبه دیگر از سایر کشورها آمده بودند که اسباب راحتی و رفاه آنان را نیز فراهم آوردند. در ربع رشیدی بنا به استعداد و توانایی و علم هر فرد، رشته تحصیلی وی را مشخص می‌شد. دارالقرآن این شهر، دیویست حافظ قرآن و چهارصد نفر فقیه و هزار طلبه دارد (همدانی، ۱۹۴۵: ۵۳)، پنجاه طبیب ماهر از اقصا نقاط جهان از جمله، هند و چین و مصر و شام، آمده بودند که به پزشکی و آموزش پزشکی مشغول بودند و هر پزشک، ده متعلم داشت که آموزش می‌داد. (همان: ۵۱) در کتابخانه ربع رشیدی، شصت هزار کتاب از علوم مختلف و از سرزمین‌های ایران، تورکان، مصر، مغرب و شام و روم و هند و چین، تهیه شده بود. وجود داشت و در کنار آنان کتب نفیس وجود داشت. (مشکور، ۱۳۵۲: ۵۴۱-۵۴۲)

در دوره ایلخانان با درایت خواجه رشیدالدین و به نسبت، فرزندش غیاث الدین و با حمایت غازان خان و خدابنده جریان توجه به مراکز علمی و دینی رشد کرد. در این دوره غازان خان به عنوان معمار اصلی بناهای علمی در تبریز، همدان، شیراز، شناخته می‌شد. بعد از وی محمد خدابنده به این مهم همت گماشت. محمد خدابنده مدت ده سال در تاسیس و معماری سلطانیه کوشید «و سرانجام شهری پدید آورد که در آن مساجد و مدارس عظیم و باشکوه و عمارات عالی

و حمامها و رباطات و بازارهای بزرگ بود، و بسی نپایید که در شهر سلطانیّه جمع زیادی رحل اقامت افگندند». (شاردن، ۱۳۷۲ ج ۵: ۱۸۱۹)

### معماری و زیبایی محیطی ربع رشیدی و سیستم آموزشی دوره مرتبط

توجه غازان خان و همچنین خواجه رشید به امر ساخت بناها و اهمیت دادن به استحکام و هنرمعماری باعث شد تا مکانها و شهرهایی که ساخته می‌شد، هرچه بهتر و مناسب تر دایر گردد. در توصیف شنب غازان می‌خوانیم: «این بنا را در سال ۶۹۷ آغاز کرد و به سال ۷۰۲ پایان آورد. برای ساختن آن بنا فرمود تا مهندسان حاذق و صنعتگران صاحب تجربه از اطراف حاضر گردند و برای استحکام اساس دایره قبه آن، آلات آهن و ارزیز از روم بیاوردند و از آن شمش‌ها و طوق‌ها ساختند و با سنگ‌های تراشیده بنیانی هرچه استوارتر برآوردند» (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۱۱) شاردن راجب خرابه‌های باقی مانده از سلطانیه متذکر می‌شود که این محل با چه مهارت و ظرافتی ساخته شده است. وی در ادامه به نقل از سفرنامه سیف الدوله می‌نویسد: در مسیر به سلطانیه «طرفین راه دهات و مزارع هست... خود سلطانیه از چمنهای مشهور ایران است. چمنی است بسیار وسیع، اطرافش کوه، چشمه‌ها و آبهای جاری بسیار دارد». (شاردن، ۱۳۷۲ ج ۵: ۱۸۵۰) شاردن درباره زیبایی معماری این محل می‌نویسد: «از عمارات قدیم چیزی که باقی است یک دو پارچه دیوار قلعه است از سنگ تراشیده، و گنبد بسیار وسیع مرتفعی از مسجد. این بنای عالی از آجر و سنگ و گچ است» (همان) نادر میرزا ربع رشیدی را محلی مستحکم و مرتب می‌داند و دیوارهای آن را با سنگ تراشیده شده توصیف می‌کند. (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۰۶) ربع رشیدی، علاوه بر استحکام، فراوانی عمارات، مرتب بودن، نمای زیبایی نیز داشت.

در واقع در این دوره، استحکام بنا و توجه به زیبایی معماری و محیط سبز و دل انگیزی که چه در داخل فضاها ایجاد می‌شد و چه محیطی که این مراکز در آن قرار داشت، در اندیشه شهرسازی خواجه رشیدالدین جریان داشت. ابن بطوطه در دیدن شنب غازان در زمان ابوسعید، به زیبایی مدرسه آنجا، توجه به خوراکی‌ها و انواع متفاوت آن، درختان سرسبز و آب‌های روان آن اشاره دارد. (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۵۳) در زیبایی بصری ربع رشیدی نیز فضای دل انگیز و فضای سبز ربع رشیدی با درختان و زیبایی‌های گل‌های رنگارنگ، زیبایی شاعرانه‌ای را خلق می‌کرد. (همدانی، ۱۹۴۵: ۵۱)

### ایجاد شرایط رفاه و رضایت برای علمای ساکن در ربع رشیدی

تلاش خواجه رشیدالدین، جلب رضایت اساتید و ایجاد رفاه و آسایش برای آنان بود تا هر چه



بیشتر جذب ربع رشیدی شوند. پیش از ربع رشیدی تاسیس شنب غازان، با محوریت علمی و دینی، باعث شد تا سایر قسمت‌های شهر برای آسودگی و رفاه حال اهالی ایجاد شود. ربع رشیدی بر محوریت مذهبی و علمی خود، توانست از امکانات شهری که برای آسایش خاطر علما فراهم شده بود، بهره مند شود. تعداد کثیری کاروانسرا، هزار و پانصد دکان، سی هزار خانه مناسب، محیط سبز و فضای درخت کاری شده، دارای انواع کارخانه‌ها به خصوص کاغذسازی و دارالضرب، که به گفته وی از هر شهری مردمانی به این محل ساکن هستند. (همان، ۱۹۴۵: ۳۱۸) خواجه فضل الله برای آسایش حال علما، روحانیون، صوفیان، پزشکان و برای گسترش تخصص آنان، همواره اسباب آسایش و امکانات را فراهم می‌کرد. (بیانی، ۱۳۸۲: ۲۴۶) خواجه که در اصلاحات خود به روش کشاورزی و باغداری، گسترش فرهنگ و توجه به علما، ایجاد مکان‌های علمی و فرهنگی مانند: مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، کتابخانه‌ها و در کنار آن مراکز پزشکی و درمانی، توجه داشت و به ایجاد راه‌ها و کاروان سراها و شبکه‌های آبیاری، اهمیت می‌داد. توجه به آبیاری در ربع رشیدی موجب می‌شد تا این شهر اهمیت دوچندانی داشته باشد. با دستور خواجه رشید الدین، به زمین‌های ربع رشیدی و کوه‌های اطراف آن آبیاری جاری شد و برای این مهم زحمات زیادی در جهت حفر کوه و سنگ‌های اطراف متحمل شدند (القاشانی، ۱۳۸۴: ۱۱۶) این آبیاری و توجه به رساندن آب به این شهر، باعث شد تا این منطقه مملو از درختان و گیاهانی باشند که هم جنبه تزئیناتی داشتند و هم جنبه باردهی. لذا ربع رشیدی در دامنه کوه سرخاب در محیطی بسیار خوش آب و هوا در میان باغ‌ها و درختان بسیار متنوع و مطبوع قرار داشت که هم زیبایی بصری و هم محیطی آرام و سرسبز برای زندگی دانشمندان محیا می‌کرد. در خود شهر؛ حمام، نانوايي، آبریزگاه، انبارها، خزانه، محل زندگی کارگران، داروخانه، مطبخ، شربتخانه، مسجد برای زمستان و تابستان، همگی برای آسایش حال افراد ایجاد شده بود. توجه به روشنای شهر و مکانها، رختشوی خانه، در واقع برای راحتی محل زندگی علما و روحانیون و پزشکان بود، ایجاد شده بود. (همدانی، ۱۳۵۶: ۴۲ تا ۴۴ و ۱۶۶ تا ۱۷۴، ۲۰۲ تا ۲۰۴)

### دیپلماسی علمی و اطلاعاتی امریکا

بعد از جنگ جهانی دوم وابستگی به شکل فرهنگی در سیستم آموزشی نمود یافت. در سال ۱۹۶۱، کندی، فیلیپ کومز را به سمت دستیار وزیر خارجه در امور آموزشی و فرهنگی منصوب کرد. کتاب مهم کومز با عنوان **بعد چهارم سیاست خارجی** تاکید دارد که مسائل آموزشی و فعالیت‌های گوناگون فرهنگی جنبه‌های بسیار مهم از سیاست خارجی هر کشوری را تشکیل

می‌دهد (برمن، ۱۳۷۳: ۱۸) و باید خدمت‌رسانی آموزشی، مهمترین هدف واقع‌گردد. پس از سال ۱۹۴۵ تأکید بر این عقیده بوده است که منافع آمریکا پس از جنگ جهانی دوم می‌تواند با متحد کردن کشورهای در حال رشد جهان سوم با ایالات متحده، از طریق ارائه خدمات اجتماعی بویژه آموزشی تضمین شود هدف برنامه آموزشی امریکا، تربیت نخبگانی است که می‌توانند جامعه مادری خود را تحت تأثیر قرار دهند. نخبگانی که رهبران آینده‌ی جوامع عقب مانده هستند و با ایجاد اصلاحات و دگرگونی تدریجی، جوامع خود را با آرمان‌های امریکا نزدیک می‌کنند لذا از سال ۱۹۵۵ با اعطای بورس به دانشجویان کشورهای جهان سوم، دانشجویان و محصلان را رهبران آینده این جوامع تربیت کنند و آنان را به کشورهای خود گسیل کرده و اداره‌ی آن کشورها را مطابق با سیستم امریکایی بر عهده بگیرند. (همان: ۱۴۰)

### تأثیر فرهنگی نظام آموزشی

اورینگ کریستول در سال ۱۹۶۷ هدف سه گانه سیاست خارجی را تضمین امنیت ملی، به حداقل رساندن احتمال درگیری نظامی، و ترغیب سایر ملل تا نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را به نحوی سازمان دهند که ترویج ارزش‌هایی با حداقل تعارض نسبت به نظام ارزشی امریکایی، و یا حتی منطبق با آن را امکان‌پذیر سازد (برمن، ۱۳۷۳: ۶۳) لذا برنامه آموزشی به عنوان اصلی‌ترین گزینه برای ترویج و آموزش فرهنگ و ارزش امریکایی بکار می‌آید. آموزش و پرورش به عنوان عاملی برای پیشبرد توسعه موارد مورد انتظار دولت، بدون استفاده از نیروی نظامی بکار می‌رود و مکرراً تحولات آموزش و پرورش بدین منظور صورت می‌گیرد که کفایت و بسندگی فرهنگ غرب را هر چه بیشتر اشاعه دهد (قائم مقام، ۲۵۳۵: ۳۵) چرا که «مدرسه همواره وفاداری نسبت به مقام قدرت را به دانش‌آموزان تلقین می‌کند.» (کارنوی، ۱۳۶۲: ۹۴)

### نقش دیپلماسی فرهنگی و علمی به عنوان بررسی تاریخی

علاقه ایرانیان به امریکایی‌ها، قبل از جنگ دوم جهانی، با فعالیت‌های امریکایی‌هایی که در ایران کار و زندگی داشتند، برانگیخته شد. آموزگاران و مبلغان دینی نظیر: هوارد باسکرویل، دکتر ساموئل مارتین جردن، رئیس دبیرستان امریکایی در تهران و دیپلمات‌هایی چون لوئیس جی. دریفوس عمق بیشتری یافت. (بیل، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۴) مدارسی که توسط امریکایی در ایران تاسیس، جزو مدرن‌ترین و اولین مدارس موثر در سیستم آموزشی ایران بود. در دوران پهلوی دوم، مدرنیته غربی امریکایی و ارزش‌های ملی ایران در کنار هم توانست سیاست‌گذاری فرهنگی تازه-

ای را تعیین کند. (اجلالی، ۱۳۳۷: ۴۹-۵۱) شاه می‌خواست با گسترش ارتباطات آموزشی و فرهنگی، پیرو فرهنگ غربی گردد. لذا با اعزام دانشجویان به خارج از کشور، خواست تا این اقدام را عملی کند. از آن رو که دیپلماسی، ابزاری است که بوسیله آن کشور می‌تواند به اهداف سیاسی خود نایل شود. لذا هدف دیپلماسی فرهنگی آمریکا، کمک به توسعه در ایران برای وابستگی هر چه بیشتر به آمریکا بود. در گزارش عملکرد سال ۱۹۶۲ کمیسیون مبادلات فرهنگی و آموزشی ایران و آمریکا این اهداف به طور مشخص فهرست شده و با صراحت به «نقش برنامه‌های فرهنگی در پیشبرد اهداف سیاست آمریکا» اشاره شده بود. این اهداف بدین شرح بود: ۱. آموزش رهبران متخصصان، معلمان و جوانان از طبقه متوسط. ۲. تشویق به ایجاد تخصص‌های جدید. ۳. استمرار نشانه‌های علاقه به منافع آمریکا در میان ایرانیان. ۴. کمک به رشد آموزش متوسط. ۵. کمک به تبلیغ زبان انگلیسی. ۶. کمک به رشد آموزش عالی و قوت بنیة علمی دانشجویان (آشنا، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۵) آمریکا با جذب نخبگان و دانشجویان و سردمداران حکومتی از جمله افسران، در امریکایی کردن آنان و غربی شدن آنان تلاش می‌کرد (تولی، ۱۳۶۳: ۶۰۲) لذا ارتباط ایران با آمریکا موجب شد تا نخبه گان و صنعت گران ایران به دلیل ارتباط با فرهنگ غرب، به غرب و فرهنگ آن تمایل پیدا کنند. (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

### نقش فرهنگی آموزش در دیپلماسی سیاسی جهت جذب افراد و کشورها

تاکید بر اصلاحات و از سوی دیگر توجه به آموزش و سیستم دانشگاهی از جنگ جهانی دوم در برنامه‌های آیزنهاور و ترومن وجود داشت و ادامه این سیاست به کندی رسید. در زمان کندی، دانشگاه یوتا در ادامه سیاست اصل چهار ترومن، حمایت از دانشجویان دانشگاه تهران و مبادله دانشجویی را در ایران، دنبال می‌کرد. تاثیر دیپلماسی علمی و فرهنگی به حدی بود که کشورها خود از آمریکا درخواست کمک‌های علمی و فرهنگی می‌کردند، در سال ۱۳۳۸ شاه در سفر به آمریکا، خواستار ایجاد دانشگاهی در ایران مطابق با الگوی امریکایی است که منجر به تاسیس دانشگاه شیراز شد. (هدایتی، ۱۳۸۱: ۲۱۰-۲۱۴) تاثیر دانشگاه‌های امریکایی نیز در بهبود وضعیت کشورها، بسیار مهم بود؛ در جریان نوسازی ایران در دوره پهلوی، گروه دانشگاه هاروارد به برنامه اقتصادی ایران رسیدگی و همکاری می‌کرد. (پهلوی، ۱۳۸۲: ۳۶۴-۳۶۶) آمریکا در این دوره بیشترین تعداد جذب دانشجویان را برعهده داشت و بیشتر دانشجویان ایرانی، جذب سیستم آموزشی آمریکا می‌شدند. در سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۳ از هیجده هزار دانشجوی ایرانی با بورس دولتی، ۴۲ درصد به ایالات متحده آمریکا عازم شدند و علاوه بر این ۲۰ هزار دانشجو با هزینه

شخصی در خارج از کشور تحصیل می‌کردند (ایوانف، ۱۳۵۶: ۲۵۳) از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۶ «شمار دانشجویان ثبت‌نام شده در دانشگاه‌های خارجی، به ویژه آمریکای شمالی و اروپای غربی از کمتر از ۱۸۰۰۰ نفر به بیش از ۸۰.۰۰۰ نفر افزایش یافت». (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۵۳۰)

کمک‌های انسانی غرب و بخصوص آمریکا به ایران و همچنین جذب محصلان و دانشجویان کشور ایران و تربیت اساتید و نخبگان باعث شد تا پزشکان و دانشجویان رشته‌های دیگر ایرانی به راهنمایی و امکاناتی که شاه در اختیار آنان قرار می‌داد، در آمریکا تحصیل کنند و در کنار آن بیشترین فرار مغزها از رشته پزشکی نیز به آمریکا بود. درباره آموزش پزشکی می‌توان یادآور شد تربیت کادر پزشکی توسط آمریکا، باعث می‌شد تا ایران تمایل به وارد کردن دارو از این کشور را داشته و این مهم باعث ایجاد بازار بزرگی برای آمریکا می‌شد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که با دیپلماسی علمی و فرهنگی، علاوه بر جذب نخبگان از سرتاسر جهان، سود اقتصادی نیز عاید می‌شود. چرا که محصلان همواره تصویری نیک از کشور مقصد در ذهن خواهند داشت و این مهم باعث تمایل این افراد به کشوری می‌شود که در آن تحصیل کرده‌اند.

معاهده‌ای که بین ایران و آمریکا راجب آموزش منعقد شد، در ۱۶ مرداد ۱۳۵۵ بین هوشنگ انصاری و کیسنجر درباره همکاری آموزشی، به امضا رسید، که در آن: دولت آمریکا تعهد نمود در مورد طرق آسان کردن امر ایجاد روابط، بین موسسات آموزش عالی ایران و آمریکا، پژوهش ویژه- ای به عمل آورد. طرفین موافقت کردند توسعه مبادلات آموزشی را، به منظور مبادله استاد دانشگاه، استاد پژوهنده و دانشجویی در حال گذراندن مراحل نهایی اخذ لیسانس، تشویق و تقویت کنند. آمریکا به امر تصویب برنامه‌ای به منظور توسعه موسسات آموزشی عالی ایران، توجه خاص مبذول خواهد داشت و امکانات توسعه جریان دو جانبه اعزام دانشجوی و دانش آموز، بین ایران و آمریکا را نیز بررسی کردند. به منظور رایزنی و مشاوره با مقامات تکنولوژی آموزشی، ایالات متحده چند گروه کارشناسی تعیین خواهد نمود. فعالیت در این زمینه، شامل مطالعه و بررسی برنامه‌های ایران برای استفاده از اقمار مصنوعی ارتباطی به منظور انتقال تلویزیونی برنامه‌های آموزشی بود (اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، ۱۳۶۹: ۳۹۱-۳۹۲) در این سیاست آموزشی تلاش برای آشنا کردن ایرانیان با سیستم دانشگاهی آمریکا و گسترش زبان انگلیسی است. در ایران، دولت سعی کرد تا سیستم آموزشی خود را مطابق با سیستم آموزشی و دانشگاهی آمریکا تهیه و وقف دهد. لذا شاه ایران بعد از جنگ جهانی دوم با توجه به سلطه فرهنگی و نفوذ دیپلماسی فرهنگی، علمی و سیاسی آمریکا، الگوی دانشگاهی را در ایران، از فرانسه به سیستم آمریکایی تغییر

داد: لذا دانشگاه‌های ایران مطابق مدل امریکایی اداره می‌شدند و اساتید امریکایی در این دانشگاه‌ها تدریس و دانشجویان ایران به دانشگاه‌های امریکایی بورس می‌شدند. در الگو برداری دانشگاه‌های ایران از مدل امریکایی، دانشگاه شیراز از مدل دانشگاه ایالتی کنت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز از مدل دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه صنعتی شریف از مدل دانشگاه آم.آی.تی، مرکز مطالعات مدیریت از الگوی دانشگاهی دانشگاه هاروارد، دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران از سیستم دانشگاه‌های جانز هاپکینز، یوتا، کلرادو، آلاباما، ویرجینیا، ساخته و مدیریت شد. لذا می‌توان نتیجه گرفت، دیپلماسی فرهنگی و علمی، علاوه بر جذب دانشجو و تمایل کشورها به همکاری، باعث ایجاد بازار بزرگی از فروش اطلاعات، ارسال استاد، فروش فناوری و علم می‌شود که می‌تواند سود بسیار کلانی را برای کشورها بوجود آورد.

در دوران معاصر نیز دانشگاه‌های امریکایی، توانمند تر از گذشته می‌توانند نقش تربیت دانشجو و افزایش مهارت اجتماعی او را برعهده داشته باشند. دانشگاه‌های امریکایی با بودجه‌های انبوهی که در اختیار دارند، می‌توانند به جذب نخبگان کشور خود و دانشجویان کشورهای دیگر، بپردازند. برای نمونه در بررسی دانشگاه‌های امریکایی و تربیت دانشجویی آنان در سال‌های گذشته به ۳ دانشگاه مطرح اشاره می‌کنیم: دانشگاه شیکاگو، با بیش از ۶/۵ میلیارد دلار بودجه، توانایی جذب ۲۲۰۰ هیئت علمی را به خود داشته و در زمینه‌های علوم زیست و فیزیک، علوم اجتماعی و انسانی، مهارت تولید علم را داراست. این دانشگاه در زمینه تربیت دانشجو، در صدد توسعه مهارت سازمانی، توسعه فهم عمومی و کمک به نیازمندان و شرکت در برنامه منافع دانشگاه، انجام فعالیت هنری و اجتماعی، کمک می‌کند و هزینه‌های مربوط به فعالیت هنری و ابداعات و کارهای فرهنگی دانشجویان را برآورد می‌کند. دانشگاه استنفورد که رتبه دوم دانشگاه‌های مطرح جهانی را برای خود حفظ می‌کند، با بیش از ۱۷ میلیارد دلار، با هدف تربیت دانشجویانی دارای مهارت ورزشی، خدمت عمومی، فرهنگی و هنری، هزینه‌های مربوط به آنان و کارهای عام المنفعه و کمک‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید و بورس، هنر، نوآوری و در هنر، آموزش ارتباط ادیان را فراهم می‌نماید. دانشگاه ییل با ۱۷ میلیارد دلار بودجه، در زمینه‌های آموزش، از جمله آموزش برای به کودکان و آموزش مهارت‌ها و ورزش، آموزش بهداشت در زمینه ارائه خدمات بهداشتی توسط دانشجویان و ارتقا دانش محصلان خویش، و در کنار آن تلاش برای عدالت اجتماعی و آموزش و تغییرات اجتماعی را اقدام می‌کند. (درودی، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۴۰) می‌توان نتیجه گرفت که سیستم دانشگاهی و علمی امریکا، پویا، زنده و عملی است، چرا که دانشجو با حمایت‌های

مختلف اجتماعی، مالی، شرایط رفاهی مناسب، می‌تواند خود را در محیطی رشد دهد که در آینده برای رشد آن محیط نیز تلاش کند و احساس پیوند و همدلی با آن محیط را داشته باشد.

### اضمحلال ربع رشیدی به عنوان مدلی برای درک عدم توانایی آموزشی ایران معاصر

خواند میر وزارت خواجه را ناشی از «بحسن درایت و یمن کفایت خواجه رشید الحق و الدنیا و الدین که در اقسام علوم عقلی و نقلی سیما فن حکمیت و طبابت سرآمد حکماء عالم بود» می‌داند. (خواند میر، ۱۳۸۰: ۱۵۲) لذا با توجه به اختلافاتی که بین خواجه رشید و خواجه علیشاه به وجود آمد، با رشوه علیشاه، باعث افزایش مخالفان خواجه رشید شد (سمرقندی ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۲) و با خیانت و حسادت درباریان (شبانکاره ای، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۷۹) و حامیان خواجه رشید از جمله امیر چوپان (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۷: ۴۴۰۶)، باعث شد تا ابوسعید مرگ اولجایتو را دسیسه خواجه و غیاث الدین، فرزند عالم<sup>۱</sup> خواجه بداند و دستور قتل این دو شخص را صادر نماید (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۰۱) در ۱۷ جمادی الاولی سال ۷۱۸ ابتدا فرزند خواجه را مقابل چشمان او کشتند سپس خواجه را در سن ۷۳ سالگی به دو نیم کردند. (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۵۳۴) اقبال آشتیانی از جمله دلایل دیگر قتل خواجه را بهانه مخالفان برای یهودی دانستن وی عنوان می‌کند و معتقد است خواجه به دلیل ارتباط با یهودیان در ایام جوانی و اطلاع از آداب و روش آنان، یهودی دانسته شد و این از اهم دلایل قتل اوست. (آشتیانی، ۱۳۸۴: ۳۲۸) حافظ ابرو، خواجه رشیدالدین را «وزیر نیکوسیرت خوش صورت فرشته سریرت» می‌خواند. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۶) لذا پس از قتل وی، چه مخالفان و چه کسانی که نسبتی به او نداشتند، به بهانه مخالفت با وی، اموال او را غارت کردند و ربع رشیدی را ویران و مال آن را هر چند به کمترین قیمت فروختند اما با این وجود پول زیادی را بدست آوردند. (همان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۷) لشگریان نیز در نابودی ربع رشیدی نقش داشتند و پس از قتل خواجه به غارت و نابودی آن اقدام کردند. (خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۰۱) علاوه بر ربع رشیدی، املاک وقفی خواجه را نیز مسدود کردند (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۵۳۵) در واقع در جریان اصلاحات در ایران، بغض افراد حکومتی در تاریخ، همواره باعث می‌شد تا توجه به اصلاحات و نوسازی و گسترش علوم، با نقصان و زحمت باشد. نمونه قتل خواجه رشیدالدین، علاوه بر زمینه-

۱. «خواجه غیاث الدین محمد رشیدی از وزرائی است که مانند پدر نام نیکی از خود در تاریخ ایران بیدار گذاشته چه علاوه بر کفایت و کاردانی و شمشیرزنی از منشیان بلیغ و از فضلی عصر خود بوده، اهل ادب و معرفت را بزرگ میداشته و برجای خویش می‌نشانده و صلوات‌گران میداده است و جمعی از بزرگان علم و ادب بنام او کتابها ساخته و منظومه‌ها پرداخته‌اند» به نقل از عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، ص ۳۵۱

های سیاسی آن، زمینه فرهنگی نیز دارد چرا که پس از قتل خواجه، کتابخانه ربع رشیدی را نیز غارت و شهر را ویران کردند که نشان از بغض افراد و منفعت طلبی آنان برای گسترش نظامی گری و کسب سود بیشتر بود.

عامل دوم در نابودی ربع رشیدی را باید عدم توجه به آن بعد از مرگ غازان دانست، چرا که بعد از غازان خان، الجایتو با رفتن از تبریز به سلطانیه، زمینه‌های بی توجهی به این شهر مهم را فراهم آورد چرا که سلطانیه با تمام زیبایی و کمال تکمیل می‌شد و هزینه‌های گزاف و توجه سلطان را در بر داشت «تاج الدین علیشاه وزیر کوشکی خلد آیین بر پیشگاه درگاه قلعه سلطانیه ساخته است در و دیوار آن از زر طلای مرصع به لاکمی و جواهر گوناگون. جدار و فرش آن جمله از یاقوت و فیروزه و لعل و زبر جد و بیجاده کرده و از غایت خوشی و خرمی نام آن بهشت نهاده و خواسته که در آنجا طوی بزرگ و اجتماع امرا و وزرا کند». (القاشانی، ۱۳۸۴: ۱۷۸) و بعد از قتل خواجه رشیدالدین، این شهر غارت شد و کتب خطلی و نفیس و متاع‌های گرانبهای آن تاراج شد. (آشتیانی، ۱۳۸۴: ۳۵۱) و محله‌های آن را از بین بردند (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۵۳۴) بعد از مرگ ابوسعید، با کشمکش‌های جانشینی، این شهر بار دیگر مورد حمله قرار گرفت. (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۷-۲۹) در واقع در جریان ساخت اماکن علمی، همواره عدم حمایت از آن در سال‌های آینده وجود دارد. کوتاه بودن مدت حمایت از این اماکن، باعث می‌شود جریان علمی همواره با نقصان و کاهش حرکت کند چرا که در دوره‌ای به رشد و در دوره‌ای نه چندان طولانی از آن، به عدم حمایت مبتلا می‌شوند و محلی دیگر جایگزین این مکان‌ها می‌شود.

لذا می‌توان نتیجه گرفت که اصلاحات و توجه به علم در ایران، همواره با دسیسه درباریان برای دستیابی به سود بیشتر، به اضمحلال می‌رفت. در واقع جریان تولید علم و توجه به تحصیل، با درایت برخی از سلاطین و درباریان به رشد منجر می‌شد اما با مرگ و یا پایان سلطنت هر کدام از این افراد، جریان و مراکز تولید علم، به سرعت رشد خود را از دست می‌داد و این مهم باعث می‌شد تا جریان تولید علم و رشد مراکز آموزشی، خطی نوسانی را دنبال کند. همانگونه که محوریت علمی شب غازان، با وجود ربع رشیدی کمرنگ شد و بعدها نیز سلطانیه از لحاظ آبادانی و هزینه و توجه حکومت پیشی گرفت، «اما آبادانی و شکوه سلطانیه مدتی دراز نپایید؛ و همچنان که در مدتی نسبتاً کوتاه به اوج عظمت رسید پس از مرگ بانی آن و جانشینش سلطان ابو سعید یکسره از رونق و اعتبار افتاد». (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۸۱۹) هر چند بعدها نیز شاه عباس دستور به ترمیم و بازسازی ربع رشیدی داد و این مکان را آباد کرد. (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۲۶-۸۲۸)

و ۸۴۹) اما نتوانست آن رونق و رشد زمان حیات خواجه رشیدالدین را احیا کند و تنها به بازسازی و توجه شاه عباس به این محل، خلاصه شد. از سوی دیگر تلاش افراد برای حفظ منفعت شخصی در کنار پیوند با عدم تحرک اجتماعی و ایجاد روش‌های جدید و ناتوانی از تجربه تازه‌ها، باعث می‌شود تا در دنیای معاصر نیز با دید شک<sup>۱</sup> و تردید به اهمیت فرهنگ و علم نگاه شود. در واقع عدم اهمیت دادن به این مهم، باعث شده تا هر چه بیشتر دیپلماسی کشور ما شکسته خورده و ناکارآمد در عرصه جهانی ظاهر شود.

### نتیجه‌گیری:

دیپلماسی فرهنگی در واقع اغلب با ایجاد روابطه هماهنگ، دوستانه و نزدیک با کشورها و به ویژه مردم آنها، تولید نیرو می‌کند. این نوع دیپلماسی، از ماثرتترین راههای متعهد نمودن افکار عمومی مخاطبان خارجی، ایجاد روابط دوستانه و بادوام بین کشورهاست. دیپلماسی فرهنگی و اطلاعاتی، نقش مهمی در ایجاد همکاری، دوستی، و روابط طولانی مدت با مردم سایر کشورها ایجاد می‌کند. در این میان امریکا به عنوان الگویی مناسب جهت سازماندهی دیپلماسی سایر کشورها برای اهمیت دادن به فرهنگ و تولید علم را برعهده دارد؛ چرا که امریکا با دارا بودن انتشاراتی مختلف و قدرتمند، مراکز علمی توانمند و موثر در تولید علم و ایجاد دروازه‌های مختلف تحقیقاتی، توانایی در تولید علم و تکنولوژی، ایجاد علوم مربوط به همه روزمرگی زندگی انسان و ایجاد راحتی و آسودگی برای ارتباط با تکنولوژی، امریکا را به عنوان قدرتی مطرح در تولید علم قرار می‌دهد. امریکا با توسعه فرهنگی خود، مرزها را در هم می‌شکند و خواسته‌های سیاسی و منافع ملی خود را در قدرت نرمی که ایجاد کرده است، تامین می‌کند. توانایی امریکا در جذب افراد و کشورها برای تعامل و دوستی با امریکا، باعث شده تا امریکا به عنوان قدرتی بلامنزاع در جهان مملو از تضادهای فرهنگی، مردمان کشور خود و جهانیان را به خود جذب کند.

کشورهای در حال توسعه و جهان سومی می‌توانند با الگو برداری صحیح از سیستم دیپلماسی فرهنگی امریکا، به همکاری هر چه بیشتر با دنیای معاصر و کشورها، اقدام نمایند چرا که باید هزاره سوم را، هزاره تعامل و همکاری با سایر ملتها دانست. هزاره‌ای که فرهنگ نقش بسزایی در تولید اقتصاد و بازار و محصولات زندگی ایفا می‌کند و در کنار آن سیاست و سیاست گذاری

<sup>۱</sup> توسعه فرهنگی را نباید با امپریالیسم فرهنگی یکی دانست. متأسفانه در کشور ما، تلاش برای ایجاد همکاری فرهنگی با کشورهای پیشرفته به معنی امپریالیسم فرهنگی تلقی می‌شود، لیک در امپریالیسم فرهنگی هدف ایجاد ارزشها و عادت فرهنگی در کشورها و افراد به زیان فرهنگ آن مردم می‌باشد؛ مراجعه به: داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، تهران، نشر مروارید، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۷، ص ۲۷



داخلی و خارجی را شکل می‌دهد. لذا می‌توان با سرمایه‌گذاری در بحث فرهنگی و تولید علم، به رشد هر چه بیشتر کشور از سویی و جذب افراد و سایر ملتها از سوی دیگر را شاهد بود. در واقع در جهان معاصر و در منطقه پر التهاب خاورمیانه، به جای توجه به نظامی‌گری با هزینه‌های کلان و نتیجه مطلوب کم، می‌توان به جذب فرهنگی سایر فرهنگ و ملتها اقدام کرد، چرا که این مهم منجر به کثرت‌گرایی فرهنگی شده و به تعامل بین افراد کمک می‌کند، از سوی دیگر به گسترش فرهنگ ایرانی-اسلامی کشور در منطقه کمک شایانی می‌نماید و از بروز جنگ‌های نابهنگام و عقیدتی جلوگیری می‌کند.

سیاست‌مداران کشور، باید بتوانند از ظرفیت‌های علمی کشور برای ایجاد همکاری بین‌المللی با سایر کشورها، استفاده کنند. همکاری علمی و فرهنگی باعث کم شدن روابط خشنانه و در کنار آن کمک به فناوری کشور می‌نماید. در واقع استفاده از حجم کثیری از ظرفیت نخبگان و استعداد هایی که هر ساله به دلیل عدم حمایت دولت و عدم زمینه مناسب، باعث مهاجرت می‌شود، می‌تواند کمکی به توان علمی کشور و در کنار آن تبادل دانشمندان در سطح بین‌المللی باشد. این مهم باعث ایجاد صلح و در کنار آن کمک به سیاست‌مداران و آموزش آنان شده تا با سطوح دیگر دیپلماسی بهتر و مناسب‌تر بتوانند با جهان ارتباط برقرار کنند.

## منابع فارسی:

### کتاب

- القاشانی، ابو القاسم عبد الله بن محمد (۱۳۸۴)، تاریخ اولجایتو، مصحح: مهین همبلی (چاپ دوم)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴)، ایران بین دو انقلاب، احمد گل محمدی و محمد ایراهیم فتاحی، تهران، نشر نی
- آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، دانشنامه سیاسی (چاپ شانزدهم)، تهران، نشر مروارید
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳)، تحریر تاریخ و صاف (چاپ سوم)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۵۹)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، نشر کتاب
- اجلالی، پرویز (۱۳۳۷)، سیاست‌گذاری و برنامه ریزی فرهنگی در ایران، تهران
- اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول (۱۳۶۹)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴)، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم
- ایوانف، میخائیل سرگه یویچ (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسین قائم پناه، تهران، انتشارات حزب توده ایران
- برمن، ادوراد (۱۳۷۳)، کنترل فرهنگ، حمید الیاسی، تهران، نشر نی
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، نشر طلوع
- بیانی، شیرین (۱۳۸۲)، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تهران، انتشارات سمت
- بیل. جمیزا (۱۳۷۱)، شیر و عقاب، فروزنده برلیان، تهران، فاخته
- پهلوی، فرح (۱۳۸۲)، دختر یتیم، به کوشش احمد پیرانی، تهران، به آفرین
- تربتی، ابوطالب حسینی (۱۳۴۲) تزوئات تیموری، تهران، کتابفروشی اسدی
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، مصحح: ایرج افشار (چاپ سوم)، تهران، امیرکبیر
- تولی، آندریو (۱۳۶۳)، اسرار سازمان سیا، حسین لعل، تهران، جاویدان
- حسن پیرنیا، عباس اقبال آشتیانی (۱۳۸۰)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه (چاپ نهم)، تهران، خیام

- حافظ ابرو، عبدالله ابن لطف الله (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، مصحح: سید کمال حاج سید جوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب السیر (چاپ چهارم)، تهران، خیام
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر کتیبه
- ریچارد پورتر، لاری سامووار، لیزا استفانی (۱۳۷۹)، ارتباط بین فرهنگها، غلامرضا کیانی و اکبر میر حسینی، تهران، انتشارات باز
- سمرقندی، کمال الدین عبد الرزاق (۱۳۸۳)، مطلع سعدین و مجمع بحرین، مصحح: عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- شاردن (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران، توس
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۸۱)، مجمع الانساب، مصحح میر هاشم محدث، تهران، نشر امیرکبیر
- شیلر، هربرت (۱۳۹۰)، ارتباطات سلطه فرهنگی، کاظم معتمد نژاد، تهران، نشر علم
- قاضی احمد تتوی، آصف خان قزوینی (۱۳۸۲)، تاریخ الفی، مصحح: غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- قائم مقام، فرهت (۲۵۳۵پ)، آموزش یا استعمار فرهنگی، تهران، جاویدان
- کارنوی، مارتین (۱۳۶۲)، تعلیم و تربیت در خدمت امپریالیسم فرهنگی، حسن پاشا شریفی، تهران، نشر روش نو
- گزارش معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری (۱۳۹۰)، خلاصه مدیریتی گزارش تحلیلی بررسی مفهومی دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران، تهران، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
- مستوفی، حمد الله (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، مصحح: عبد الحسین نوایی (چاپ سوم)، تهران، امیرکبیر
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲)، تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، تبریز، چاپخانه بهمن
- میلانی، محسن (۱۳۸۷)، شکل گیری انقلاب اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران، گام نو
- نای، جوزف (۱۳۸۲)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدرضا میرطاهر، تهران، نشر قومس
- ..... (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی

- نقیب زاده، احمد(۱۳۸۲)، تأثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- هدایتی، جواد(۱۳۸۱)، تاریخ پزشکی معاصر ایران از تاسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی
- همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۵۸ ق / ۱۹۴۰ م)، تاریخ مبارک غزالی، مصحح: کارل یان، هرتفرد، استفن اوستین
- ..... (۱۳۵۶)، وقف نامه، به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی
- ..... (۱۹۴۵ م)، مکاتبات رشیدی، به اهتمام محمد شفیع، لاهور، دانشگاه پنجاب
- ویلبر، دونالد. ن(۱۳۶۵)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، عبدالله فریار(چاپ دوم)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

#### مقالات:

- آشنا، حسام الدین(۱۳۸۴)، دیپلماسی فرهنگی امریکا در ایران: انجمن ایران و امریکا، مطالعات تاریخی، شماره ۹
- خرازی محمدوندی آذر، زهرا(۱۳۸۸)، تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها، تهران، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، شماره ششم
- درودی، مسعود(۱۳۹۵)، بررسی چند مدل فرهنگی در حوزه آموزش عالی، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۰

#### منابع انگلیسی:

##### Book

- Adam kuper, Jessica Kuper(1985), **The Social Science Encyclopedia**, London, Routledge & Kegan Paul
- Milton c. Cummings (2003), **Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey**. Washington DC, Center for Arts and Culture
- Rasmussen , Steffen bay(2015) , **The new narrative for Europe and the role of culture in EU public diplomacy** , university of deusto press

##### Paper

- Indraswari Ma, railh,(2015), **International journal of social and humanity** , vol.5,no4